

گفت‌وگوی
روزنامه صبا
با عوامل سریال
«رویای ریحانه»؛

پرونده ویژه

صبا



مسعود دهنوی
کارگردان:

به بعد نمایشی و انسانی قصه توجه کردیم

می‌شوند، پس از مدتی دچار یکنواختی می‌شوند، اما در «رویای ریحانه» تلاش کردیم از این دام دور بمانیم. روند تولید حدود چهار تا پنج ماه طول کشید و طبیعی است حفظ انگیزه و انرژی در چنین شرایطی دشوار باشد، با این حال تنوع اپیزودها و قصه‌ها مانع تکرار و روزمرگی شد.

در واقع، همین تک‌لوکیشن بودن به ما کمک کرد فضایی شبیه خانه و خانواده بسازیم؛ جایی که اعضای گروه، چه جلوی دوربین و چه پشت صحنه، ارتباطی صمیمی و نزدیک پیدا کردند.

به نظر مهم‌ترین اتفاق سریال، اعتماد به گروهی از نیروهای جوان بود. هم در پشت صحنه و هم در میان بازیگران تلاش کردیم از چهره‌های تازه و تئاتری استفاده کنیم. در فصل دوم که حدود ۱۵ قسمت دارد، بیش از ۱۲۰ بازیگر مهمان از حوزه تئاتر حضور داشتند. همه آن‌ها در فرآیندی جدی تست شدند و بسیاری پیش‌تر فرصت دیده شدن نداشتند. خوشبختانه این تصمیم نتیجه خوبی داشت و حضور این چهره‌های تازه، به

سریال انرژی و طراوت ویژه‌ای بخشید.



میثم حسن زاده
کارگردان:

کارگردانی سریال، فقط یک کار نبود؛ یک مسئولیت انسانی بود

ایده اصلی سریال «رویای ریحانه» چطور شکل گرفت و چه چیزی باعث شد تصمیم بگیرید آن را بسازید؟ در واقع، این نخستین بار بود که با مجموعه‌ای روبه‌رو شدم که تمرکز اصلی‌اش بر یک زایشگاه و بحران‌های واقعی آن است. این تجربه برایم هم چالش برانگیز بود و هم جذاب؛ فرصتی طلایی برای نشان دادن زندگی واقعی پرسنل، پزشکان و خانواده‌ها و پرداختن به موضوع حساس «تولد» و «کودک».

«رویای ریحانه» برای من تجربه‌ای متفاوت بود، چون این بار مستقیماً با مفهوم کودک و تولد درگیر شدم؛ موضوعی که همیشه برایم جذابیت خاصی داشته است. کودک نماد شروع دوباره، امید و پاکی است، و شاید همین نگاه باعث شد با وجود سختی‌های تولید، احساس کنم باید این کار را بسازم.

برای من، کارگردانی اثری که محور اصلی‌اش تولد و کودک است، فقط یک پروژه کاری نبود، بلکه مسئولیتی عاطفی و انسانی بود. ایده اصلی «رویای ریحانه» نیز از سوی خانه تولیدات جوان و تهیه‌کننده اثر، آقای احمد نوجوان، به من پیشنهاد شد.

در مسیر ساخت سریال با چه محدودیت‌ها یا چالش‌هایی مواجه بودید؟

در واقع، وقتی موضوع «رویای ریحانه» به تولد و نوزاد گره خورد، ناخودآگاه مسیر سریال به سمت ژانرهایی با حال‌وهوای امیدوارانه رفت؛ ژانرهایی که گاهی به آثار انگیزشی یا حتی نمونه‌های بین‌المللی مانند This Is Us نزدیک می‌شوند. اما تفاوت «رویای ریحانه» در این بود که ریشه‌اش از دل داستان‌های واقعی می‌آمد. ما قصد ساخت مستند نداشتیم، بلکه می‌خواستیم واقعیت را با فضای شیرین و رؤیایی تولد درآمیزیم و ترکیبی از رگه‌های واقع‌گرایانه و فانتزی خلق کنیم.

طبیعتاً همین نگاه متفاوت، چالش‌های اجرایی زیادی به همراه داشت.

نمونه مشخص رنگ‌های راه‌روی اصلی زایشگاه بود که چند پالت مختلف برایش در نظر گرفتیم. یا در اتاق معاینه قبل و بعد از زایمان، تغییر رنگ‌ها نمادی از گذر از اضطراب به امید بود؛ قبل از زایمان رنگ‌ها فضایی ملتهب و استرس‌زاد داشتند، اما بعد از تولد نوزاد رنگ‌ها به سمت فضایی روشن و انگیزشی می‌رفتند.

حتی روی انتخاب رنگ آبی در اتاق بستری و بلوک نوزادان خیلی حساس بودم، چون می‌خواستم حس امید و آرامش به شکل ملموسی منتقل شود.

مهم‌ترین چالش‌هایی که در روند ساخت سریال با آن مواجه شدید چه بود؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما تعدد بازیگران بود، به‌ویژه بازیگران اصلی. وقتی تعداد نقش‌ها زیاد باشد، هماهنگی برای حضور آن‌ها در پروژه‌های بلندمدت دشوار می‌شود. بازیگر باید در زمان مشخصی در اختیار کار باشد و در مورد نقش‌های مهمان نیز باید فرصت کافی برای تست و هماهنگی وجود داشته باشد. با وجود این دشواری‌ها، توانستیم از پس آن بر بیاییم. البته این تجربه نشان داد چنین چالش‌هایی در پروژه‌های دیگر هم پیش می‌آید. ما فرآیندی دقیق برای انتخاب بازیگران داشتیم و سپس مراحل بازنویسی فیلمنامه و اجرا را پشت سر گذاشتیم. خوشبختانه بیمارستان ارتش و بیمارستان بعثت نه‌اجا همکاری خوبی داشتند و امکان تصویربرداری در بخش‌هایی از سریال را فراهم کردند.

برای من که پیش‌تر در حوزه فیلم فعالیت کرده‌ام، این نخستین تجربه کارگردانی سریال بلند تلویزیونی بود. طبیعی است این مسیر چالش‌های خاص خود را داشته باشد، اما هیچ‌کدام مانع پیشرفت ما از نظر کمی و کیفی نشد.

در هدایت بازیگران تا چه اندازه به آن‌ها آزادی عمل می‌دادید؟ کاراکترها تا چه حد بر اساس نگاه خودتان شکل گرفتند؟

کار با بازیگران حرفه‌ای که سال‌ها سابقه دارند، برای کارگردان‌های جوان همیشه چالش برانگیز است؛ چون بازیگر باتجربه معمولاً دیرتر اعتماد می‌کند. اما در «رویای ریحانه» این اعتماد خیلی زود و خوب شکل گرفت. بازیگران با سابقه ما اعتماد زیادی به من و آقای حسن زاده داشتند و همین باعث شد رابطه‌ای حرفه‌ای و دوطرفه میانمان برقرار شود.

ما نیز تلاش کردیم از ظرفیت بازیگران به‌درستی استفاده کنیم و استعدادهایی را که کمتر فرصت بروز داشتند، نشان دهیم. مثلاً خانم صحرا اسداللهی بازیگر توانمندی هستند و در فصل دوم نقش‌شان را پررنگ‌تر کردم، چون هم کاراکترشان دوست‌داشتنی بود و هم می‌توانست بار فانتزی و کمدی کار را به دوش بکشد. بازیگران تازه‌کاری مثل آقای مجتبی واشیان و وحید مبصر هم هرکدام استعدادهای ویژه‌ای داشتند که در این سریال به‌خوبی دیده شدند.

به نظر شما «رویای ریحانه» که از الگوهای تکراری سریال‌های این سال‌ها فاصله گرفته، توانسته این تفاوت را در نگاه مخاطبان هم منعکس کند؟

بازخوردهایی که از مخاطبان اطرافیان شنیدم، نشان می‌دهد سریال توانسته ارتباط خوبی با مردم برقرار کند. یکی از دلایل اصلی این موفقیت، فضای محدود و تک‌لوکیشن آن است؛ ما در زایشگاه با گروهی روبه‌رو هستیم که کنار هم کار می‌کنند و نوعی حس خانواده میان‌شان شکل گرفته است. از سوی دیگر، وجود یک خط عاشقانه در دل داستان همیشه برای مخاطب جذاب است و فضای شیرین و تا حدی فانتزی سریال هم به دل بینندگان نشست است.

هرچند «رویای ریحانه» ساختاری اپیزودیک دارد، اما یک روایت کلی میان شخصیت‌ها در زایشگاه جریان دارد که پیگیرانه و قابل دنبال کردن است. همچنین تنوع قصه‌ها، موقعیت‌ها و حضور قومیت‌های مختلف باعث شده مخاطبان در سراسر کشور با آن ارتباط برقرار کنند. بسیاری از استان‌ها خودشان را در بخش‌هایی از سریال دیده‌اند؛ چه از نظر لهجه و پوشش، چه از نظر فرهنگ و موسیقی محلی.

درباره لوکیشن سریال، یعنی زایشگاه، و چالش‌های کار در چنین فضایی بگویید.

معمولاً سریال‌هایی که در یک لوکیشن ثابت ساخته

آوای مادرانه در دل روزمرگی

سریال «رویای ریحانه» روایتی است برگرفته از واقعیت، از دل مستندهایی درباره‌ی جمعیت و فرزندآوری که به زبانی داستانی و انسانی بازآفرینی شده است. در گفت‌وگو با میثم حسن زاده و مسعود دهنوی (کارگردانان)، احمد نوجوان (تهیه‌کننده) و مینا نوروزی (بازیگر نقش مادر)، از شکل‌گیری ایده تا چالش‌های ساخت، از باور نقش تا تأثیر بر مخاطب سخن گفته‌ایم؛ اثری که به گفته‌ی سازندگان، از دل مردم برخاسته تا به دل مردم بنشیند.

زهره طاهریان

گفت‌وگو



عکس: نازیلا ملکی